

رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث، سال چهل و نهم، شماره ۱، شماره پیاپی ۹۸
بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۲۸-۹

الکافی و روایات اسحاق بن محمد آخمر نخعی تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق*

دکتر حمید باقری

استادیار دانشگاه تهران

Email: bagheri.h@ut.ac.ir

چکیده

کلینی در تألیف الکافی خود از منابع متعدد مکتوب حدیثی بهره برده است که بررسی آن‌ها می‌تواند در شناسایی هرچه دقیق‌تر روش وی در تدوین کتابش سودمند باشد. نکته جالب توجه آنکه مؤلفان برخی از این منابع در کتب رجالی افرادی دروغگو و حتی جاعل حدیث معرفی شده‌اند. از جمله آن‌ها، اسحاق بن محمد احمر است که تاکنون هیچ پژوهش مستقلی به روایات منقول از وی در الکافی و منبع کلینی در نقل آن‌ها نپرداخته است. نجاشی دو کتاب اخبار السید و کتاب مجالس هشام را از میان آثار وی معرفی کرده است. از لابلا میراث نصیری به پنج کتاب دیگر نیز از آثار وی شناخته شده است: کتاب الصراط، کتاب الصلاة، کتاب التنبیه، کتاب باطن التکلیف و کتاب الشواهد. این نوشتار ضمن نگاهی به شخصیت اسحاق و دیدگاه عالمان درباره وی، به روایات کلینی از اسحاق پرداخته و تلاش دارد منبع کلینی را در این باره روشن نماید. بنا بر برخی شواهد، به نظر می‌رسد که از میان این مکتوبات اسحاق، کتاب اخبار السید وی - که پیش از انحرافش تألیف شده - منبع کلینی در نگارش الکافی بوده است.

کلیدواژه‌ها: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، منابع، اسحاق بن محمد احمر، کتاب اخبار السید.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۱/۳۱؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۱۰/۲۵.

مقدمه

کتاب الکافی تألیف ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ق) یکی از کتاب‌های چهارگانه حدیثی شیعه امامی و مشتمل بر بیش از شانزده هزار حدیث است که در موضوعات اعتقادی، فقهی و اخلاقی از میان کتاب‌ها و منابع مختلف انتخاب و تألیف شده است. اطلاعات قطعی چندانی درباره روش وی در گزینش و تدوین این روایات در دست نیست، جز آنکه او در مقدمه کتاب بر تصحیح این روایات تصریح کرده است. توجه به این نکته در کنار این امر که وی از دفاتر و مکتوبات حدیثی پیش از خود به مثابه منابع قابل اعتماد خود استفاده کرده است بر اهمیت این منابع در مباحث علوم حدیثی به‌ویژه نقد حدیث می‌افزاید.

به‌طور کلی درباره روش محدثان متقدم امامی در جریان نقادی احادیث گفتنی است که ایشان در این فرآیند با تکیه بر نظام «قراین» از نشانه‌های متعددی استفاده کرده‌اند که این نشانه‌ها را می‌توان در سه محور منبع‌شناسی، آگاهی‌های رجالی و متن‌پژوهی مورد بررسی قرار داد. این عالمان چنانکه در این ارزیابی‌های سه‌گانه، به صدور حدیثی از معصوم اطمینان می‌یافتند از آن حدیث با عنوان «صحیح» یاد می‌کردند، و در مقابل احادیثی را که در صدور آن از معصوم تردید داشتند «ضعیف» قلمداد می‌کردند (در این باره ر.ک: شبیری، لزوم ارزیابی، ۱۳۱). بنا بر این سخن، تصحیح روایات الکافی از سوی مؤلف آن به معنای تأیید احراز صدور آن‌ها از معصومان است.

اما آنچه در این میان بر اهمیت است آنکه کلینی در برخی موارد از منابعی بهره برده است که مؤلفان آن‌ها در منابع رجالی صراحتاً نه تنها تضعیف شده‌اند بلکه بر دروغگو و جاعل حدیث بودن آن‌ها اشاره شده است. از جمله این مؤلفان، اسحاق بن محمد بن لبان نخعی ملقب به احمر است. مسأله درباره او کمی بغرنج‌تر است؛ چه آنکه او از یک‌سو غالی، دروغگو و جاعل معرفی شده و از سوی دیگر در منابع کهن به عنوان مؤسس فرقه غالی اسحاقیه قلمداد شده است. این نوشتار می‌کوشد تا ضمن نگاهی به شخصیت این راوی و بیان دیدگاه‌های عالمان امامی درباره وی، اثر وی را که کلینی از آن استفاده کرده است شناسایی نماید. نقل روایات اسحاق احمر با وجود تضعیف قطعی وی از سوی رجال‌شناسان امامی نمونه جالب توجهی در تکیه محدثان متقدم بر قرائن متعدد برای احراز صدور احادیث است، روشی که بعدها با سیطره مبانی فقهی - حدیثی عالمان مکتب حله تقریباً کنار گذاشته شد و جای خود را به ارزیابی‌های محض رجالی و بررسی‌های سندی داد.

درباره اسحاق احمر

کامل‌ترین اطلاعات درباره نام و نسب وی را نجاشی گزارش کرده است. بنا بر گزارش وی، نام کامل او اسحاق بن محمد بن احمد بن لبان بن موار بن عبدالله بن حارث احمر نخعی است. به گفته همو، جد اعلای وی عبدالله که برادر مالک اشتر - صحابی جلیل القدر امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) - بوده به نام‌های «عقیبة» و «عقاب» نیز شناخته می‌شده است (نجاشی، ۷۳، ش ۱۷۷؛ نیز نگ: ابن غضائری، ۴۱؛ حلی، خلاصة الأقوال، ۲۰۱؛ همو، ایضاح الإشتباه، ۹۴-۹۵، ش ۴۲). کنیه اسحاق، «ابویعقوب» گزارش شده است (ابن غضائری، ۴۱؛ طوسی، اختیار، ش ۳۶۴، ۸۰۴، ۱۰۱۴، ۱۰۴۳، ۱۰۸۴؛ طوسی، رجال، ۳۹۷، ش ۵۸۲۷؛ خطیب بغدادی، ۳۷۵/۶، ش ۳۴۱۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۲۳/۷، ش ۱۳۵۲). سبب شهرت وی به «احمر» آن بوده که او به بیماری برص مبتلا بوده است و برای دفع آن به صورتش داروئی می‌مالید تا گلگون (احمر) شود (خطیب بغدادی، ۳۷۷/۶؛ ابن کثیر، ۹۳/۱۱).

وی بخشی از حیات خود را در کوفه سکونت داشته است و از این رو با نسبت «کوفی» معرفی شده است (سمعانی، ۱۳۶/۱؛ ابن اثیر، ۵۲/۱؛ ابطحی، ۱۳۲/۳). او علاوه بر کوفه، در بغداد نیز ساکن بوده است؛ چه به گفته ابوعمرو و کشی، استادش ابوالنضر محمد بن مسعود عیاشی برای ملاقات وی به این شهر سفر کرد (طوسی، اختیار، ش ۱۰۱۴). از این رو، خطیب بغدادی شرح حال وی را در تاریخ مدینة السلام مشهور به تاریخ بغداد خود آورده است (خطیب بغدادی، ۳۷۵-۳۷۷، ش ۳۴۱۳).

برخی رجالیان متأخر مانند علامه حلی، ابن داود و محمد علی اردبیلی از ابویعقوب اسحاق بن محمد بصری نیز یاد کرده‌اند که هم‌کنیه با اسحاق احمر بوده و همچون او تضعیف شده و غالی خوانده شده است (حلی، خلاصة، ۳۱۸، ش ۳؛ ابن داود، ۲۳۱، ش ۵۲؛ اردبیلی، ۸۷-۸۸). چنانکه آیه‌الله خوئی به علامه حلی نسبت داده است (خوئی، ۲۲۹/۳)، در بادی امر این احتمال می‌رود که این عالمان قائل به تعدد این دو شخص بوده‌اند، حال آنکه این دو بی‌تردید یکی بوده‌اند. بنا بر نظر برخی عالمان امامی، این دو یعنی اسحاق بن محمد احمر و اسحاق بن محمد بصری در واقع یک نفرند (تفرشی، ۱۹۷-۱۹۸، ش ۴۳۱ و ۴۳۲؛ وحید بهبهانی، ۲۸۴/۲؛ خوئی، ۲۲۸-۲۳۱، ش ۱۱۷۷ و ۱۱۷۹، ص ۲۳۳، ش ۱۱۸۵؛ تستری، ۷۷۷/۱، ۷۷۹). کنیه یکسان و غالی بودن هر دو از جمله مؤیدات این نظر است. بدین ترتیب، نسبت «بصری» که در برخی منابع برای وی گزارش شده،^۱ می‌تواند اشاره به زادگاه یا محل سکونت او داشته باشد.

^۱ تقریباً در همه جای رجال کثی با همین نسبت معرفی شده است. نگ: طوسی، اختیار، ش ۴۲، ۴۴، ۱۲۵، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۶۳، ۳۶۴، ۴۱۴، ۵۰۵، ۵۸۳، ذیل ۵۸۴، ۵۹۱، ۵۹۷، ۷۴۲، ۷۴۸، ۸۰۴، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۸، ۱۰۴۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۷، ۱۱۴۶؛ طوسی، رجال، ص ۳۸۴، ش ۵۶۵۱، ص ۳۹۷، ش ۵۸۲۷.

از سال ولادت او اطلاعی در دست نیست، اما دانسته است که در سال ۲۸۶ ق درگذشته است (ابن حجر عسقلانی، ۱/۳۷۳). شیخ طوسی از اسحاق بن محمد بصری در شمار اصحاب امام هادی (۲۱۲-۲۵۴ ق) و امام حسن عسکری (۲۳۲-۲۶۰ ق) نام برده است (طوسی، رجال، ص ۳۸۴، ش ۵۶۵۳ و ص ۳۹۷، ش ۵۸۲۷)، هر چند که علامه حلی او را جزء شاگردان امام جواد (۱۹۵-۲۲۰ ق) نیز معرفی کرده است (حلی، خلاصة الأقوال، ۳۱۸). چنانچه مطلب اخیر درست باشد، زمان تقریبی ولادت اسحاق را می‌توان اوایل سده سوم هجری و احتمالاً بعد از شهادت امام رضا (علیه السلام) در سال ۲۰۳ ق بیان کرد. نکته حائز اهمیت درباره یادکرد اسحاق در زمره شاگردان این سه امام آنکه امروزه در منابع حدیثی امامیه هیچ روایتی که اسحاق احمر مستقیمه از یکی از این امامان نقل کرده باشد وجود ندارد. خطیب بغدادی، نام شماری از مشایخ حدیثی و راویان وی را معرفی کرده و اظهار داشته است که غالب روایات وی مشتمل بر اخبار و حکایات است (خطیب بغدادی، ۶/۳۷۵).

او در منابع رجالی امامیه به عنوان شخصیتی دروغگو، فاسد العقیده، غالی (طوسی، اختیار، ش ۴۲: «وهو غال من أركان الغلاة»؛ ابن داود، ۲۹۴، ش ۱۱؛ حسن بن زین الدین، ۴۳، ۱۱۹) یا متهم به غلو (طوسی، رجال، ۳۸۴، ش ۵۶۵۱) معرفی شده است. تعبیر نجاشی درباره وی جالب توجه است که به همین اندیشه‌های غلوآمیز وی اشاره دارد: «وهو معدن التخليط» (نجاشی، ۷۳، ش ۱۷۷). تندترین تعابیر درباره او را می‌توان در اظهار نظر احمد بن حسین غضائری مشاهده کرد. او، اسحاق احمر را دارای مذهبی فاسد («فاسد المذهب»)، دروغگو در روایت‌گری («كذاب في الرواية»)، جاعل حدیث («وَضَاع لِلْحَدِيثِ») که به روایاتش اعتنایی نمی‌شود («لا يلتفت إلى ما رواه») و احادیث منقول از او بر احادیث مشابه هیچ وجهانی ندارد^۲ («لا يرتفع بحديثه») معرفی کرده است. به گفته همو، خبری درباره اسحاق و عیاشی دالی بر جاعل حدیث بودن وی وجود دارد که مشهور است (ابن غضائری، ۴۱-۴۲، ش ۱۴). مقصود ابن غضائری از این خبر، گزارش ابوعمر و کشی از استادش ابوالنضر محمد بن مسعود عیاشی است که «برای نوشتن حدیث از اسحاق به بغداد سفر کردم. از او درخواست کتابی کردم تا استتساخ کنم. کتابی را مشتمل بر احادیث مفضل بن عمر [جعفی] در تفویض به من داد، رغبتی به آن نشان ندادم، کتابی شامل احادیثی از ثقات به من داد، او را حریص به کبوترهای اهلی دیدم که از آنها نگهداری می‌کرد و در فضیلت نگهداری آن‌ها حدیث نقل می‌نمود». با این همه شگفت‌آور است که ابوالنضر محمد بن مسعود

^۲. برای این معنا از عبارت «لا يرتفع بحديثه» نگ: جدیدی‌نژاد، ۱۳۴.

ادامه داده است: «او حافظ‌ترین افرادی بود که من ملاقات کردم» (طوسی، اختیار، ش ۱۰۱۴؛ نیز نک: تستری، ۱/ ۷۷۶-۷۷۷).

به گفته نجاشی وی حدیثی از محمد بن حسن بن شمون بغدادی (م ۲۵۸ ق) - راوی واقفی که بعدها پیرو جریان غلو شد (درباره وی نگ: نجاشی، ۳۳۵، ش ۸۹۹) - دال بر امامت امام هادی (علیه السلام) روایت کرده است، اما بنا بر داوری صریح نجاشی، اسحاق در روایت کردن مردود و مشکوک است (نجاشی، ۳۳۶).^۳

بنا بر این گزارش‌ها، روشن است که رجالیان متقدم اعتمادی به اسحاق احمر نداشته‌اند. این بی‌اعتمادی به‌وی نزد رجالیان متأخر نیز قابل مشاهده است (حلی، خلاصة، ۳۱۸، ش ۳ و ۵؛ ابن داود، ۲۳۱، ش ۵۱ و ۵۲، نیز ۲۹۹، ش ۱؛ حسن بن زین الدین، ۲۴، ۴۳-۴۴، ۵۳۸). با وجود این تعبیر صریح در غلو و طعن اسحاق احمر، جای بسی شگفتی است که از چه رو وحید بهبهانی سبب طعن رجالیان درباره وی را اعتقاد اسحاق به مفضل بن عمر جعفی و نقل روایاتی در مدح او و همچنین روایاتی در باب مسأله تفویض دانسته است (وحید بهبهانی، ۲/ ۲۸۵-۲۸۶)، حال آنکه عبارت عیاشی هیچ‌گونه دلالتی بر این موارد ندارد (در این باره ر.ک: تستری، ۱/ ۷۷۹-۷۸۰).

عالمان اهل سنت نیز اسحاق احمر را به‌عنوان شخصی دروغگو و غالی معرفی کرده‌اند. برای نمونه، خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق) اسحاق را از جمله رافضیان مشهور به غلو خوانده و فرقه اسحاقیه را منتسب به او دانسته است. به گفته او، اسحاق در زمره کسانی بوده که به الوهیت علی (علیه السلام) باور داشتند (خطیب بغدادی، ۴/ ۵۷، ۶/ ۳۷۷؛ سمعانی، ۱/ ۱۳۶).^۴ وی در جای دیگر این مطالب را به نقل از ابوالقاسم عبدالواحد بن علی اسدی گزارش کرده است، مطالبی که برخی شیعیان نیز مشابه آن را به خطیب بغدادی گفته بودند (خطیب بغدادی، ۶/ ۳۷۷). از دیگر عالمان سنی به دیدگاه شمس الدین ذهبی باید اشاره کرد که اسحاق احمر را فردی دروغگو و از غلات دانسته و مذهب او را خبیث معرفی کرده است (ذهبی، المغنی، ۱/ ۱۱۱، ش ۵۷۸؛ همو، میزان الاعتدال، ۱/ ۱۹۶-۱۹۷).

ابن جوزی، حدیثی منقول از عبدالله بن مسعود از امام علی (علیه السلام) را که شاهد مواجهه پیامبر با شیطان در صورت فیل بوده است و شیطان در این ملاقات خطاب به حضرت امیر گفته است که «کسی

^۳ این احتمال که آنچه مقصود نجاشی است یکی از دو روایتی است که کلینی (۱/ ۵۱۰، ح ۱۶ و ۱۷) نقل کرده منتهی است؛ چه آنکه اولاً این دو روایت نقل سخن امام حسن عسکری (ع) هستند و ثانیاً محتوای آن چیزی جز مطلبی است که نجاشی اشاره کرده است.
^۴ گفتنی است که در برخی منابع، ایجاد فرقه اسحاقیه به اسحاق بن زید بن حارث نسبت داده شده است: «صاحب المقالة المعروفة بالاسحاقية». ابن ابی الحدید، ۸/ ۱۲۲.

بغض تو را ندارد جز آنکه من با پدرش در انعقاد نطفه او در رحم مادرش شریک خواهم بود»،^۵ از بر ساخته‌های اسحاق احمر دانسته است (ابن جوزی، ۱/ ۳۸۵-۳۸۶. نیز نگ: ذهبی، میزان الاعتدال، ۱/ ۱۹۷).

بنا بر شهرت اسحاق احمر به جعل و ضعف روایی و فساد مذهب، روایات بسیار کمی از او در کتب حدیثی متقدم شیعی نقل شده است. در این باره گفتنی است که از میان کتب اربعه، تنها روایات معدودی از وی در الکافی نقل شده است.^۶

فرزند وی ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق احمری (زنده در ۲۶۹ ق) نیز از جمله راویان حدیث بوده است که از سوی رجالیان - همچون پدرش - تضعیف و متهم به غلو که روایات صحیح و سقیم را بدون تمایز نقل می‌کرده، معرفی شده است (ابن غضائری، ۳۹، ش ۹؛ نجاشی، ۱۹، ش ۲۱؛ طوسی، الرجال، ۴۱۴، ش ۵۹۹۴؛ طوسی، الفهرست، ۱۶۷، ش ۹). شیخ طوسی از روای ای به نام ابراهیم بن اسحاق در شمار شاگردان امام هادی (علیه السلام) نام برده و او را توثیق کرده است (طوسی، الرجال، ۳۸۳، ش ۵۶۳۵). علامه حلی درباره اشتراک این دو مرد است، هر چند معتقد است که در صورت این همسانی این دو روای، باز هم نمی‌توان به روایات او اعتماد کرد (حلی، خلاصة، ۳۱۴، ش ۴). هر چند گفتنی است که آیه‌الله خویی به تمایز این دو روای تصریح دارد (خوئی، ۱/ ۱۸۵، ش ۱۰۱).

معرفی ابراهیم بن اسحاق از سوی رجالیان با نسبت «نهادندی»، اشاره به خاستگاه ایرانی وی دارد؛ چه آنکه شیخ طوسی همین روای را با عبارت «إبراهیم الأعجمی من أهل نهادند» نیز معرفی کرده است (طوسی، الفهرست، ۲۰، ش ۱۶. نیز نک: خوئی، ۱/ ۱۶۵، ش ۶۲، ص ۱۸۵-۱۸۹، ش ۱۰۲-۱۰۴). بنا بر این، انتساب وی به شهر «موصل» از سوی ابوعمرو و کشی می‌تواند بر سکونت وی در این شهر دلالت داشته باشد (طوسی، اختیار، ۵۹۴، ش ۵۵۲). تعبیر شیخ طوسی درباره انتساب محمد بن ابراهیم بن اسحاق به شهر «طالقان» (ر.ک: ابن غضائری، الرجال، ۱۲۴؛ نجاشی، ۲۵۸)^۷ - که فرزند ابراهیم

^۵ ابن شهر آشوب این روایت را به نقل از منابع سنی در مناقب (۲/ ۸۶-۸۷) خود آورده است.

^۶ در این باره در ادامه به تفصیل سخن خواهیم گفت.

^۷ در بیشتر موارد در ارجاع به کتاب الفهرست شیخ طوسی از چاپ مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی استفاده شده است جز در موارد اندکی که به چاپ دیگر آن (چاپ قیومی) تصریح شده است.

^۸ ظاهر شهر طالقان از جایگاهی خاص نزد نصیری به برخوردار بوده است. عنوان کتاب الجوهرة الطالقانية اثر ابوطاهر سابور بن قاسم زاهد - از بزرگان شناخته شده نصیری - از جمله شواهد آن است. افزون بر این، در روایتی منقول از مفضل بن عمر جعفی از امام صادق (ع) به وجود «کنجینه طالقان» اشاره شده است. بنا بر این روایت، مردانی از اهالی طالقان در آخر الزمان به یاری مهدی موعود (عج) خواهند شتافت. هر چند این روایت در منابع شیعه امامی نیز روایت شده (برای نمونه نگ: ثقفی کوفی، الغارات، ۲/ ۶۸۰؛ صدوق، کمال الدین، ۲۶۸؛ حلی، مختصر بصائر الدرجات، ۱۸۸-۱۸۹؛ عاملی، الصراط المستقیم، ۲/ ۱۵۵؛ مجلسی، بحار، ۴۱/ ۳۵۲؛ ۵۲/ ۳۰۷-۳۰۸، ح ۸۲، ۱۵/ ۵۳).

نهادندی دانسته شده (وحید بهبهانی، ۲۹۳ و ۲۹۱) - مورد توجه قرار گیرد، خود می‌تواند شاهدهی دیگر بر اصالت ایرانی پدرش تلقی گردد. شیخ صدوق با تعبیر «رضی الله عنه» از او روایت کرده است. تولد ابراهیم بن اسحاق در شهر نهاوند به نوبه خود حاکی از اصالت ایرانی یا دست‌کم سکونت پدرش در ایران است.

روایات اسحاق احمر در الكافی

با وجود شهرت اسحاق احمر به داشتن اندیشه‌های غالیانه و فقدان ویژگی‌های اعتمادزای محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ق) از میان محدثان متقدم امامی بیشترین روایات را از اسحاق احمر نقل کرده است. این روایات، مشتمل بر حدیثی از امام علی (علیه السلام) در باب قضا و قدر الهی (کلینی، ۱/ ۱۵۵-۱۵۶، ح ۱)، نصوصی دال بر امامت امام حسن عسکری (علیه السلام؛ همان، ۱/ ۳۲۷-۳۲۸، ح ۹-۱۲) و ولادت آن حضرت (همان، ۱/ ۵۰۸-۵۱۲، ح ۹-۲۲)، حدیثی از امام صادق (علیه السلام) در باب غیبت امام (همان، ۱/ ۳۳۷-۳۳۸، ح ۶)، حدیثی از امام حسن عسکری (علیه السلام) درباره شناخت مدعی راستین امامت از مدعی دروغین (همان، ۱/ ۳۴۷، ح ۴)، حدیثی از امام رضا (علیه السلام) درباره حکم نماز بر بام کعبه (همان، ۳/ ۳۹۲، ح ۲۱؛ نیز نگ: طوسی، تهذیب، ۲/ ۳۷۶، ح ۱۵۶۶)، پرسشی از امام حسن عسکری (علیه السلام) درباره فلسفه وجوب روزه (کلینی، ۴/ ۱۸۱، ح ۶؛ نیز نگ: صدوق، الأمالی، ۹۷، ح ۷۵)، بیت شعری از امام کاظم (علیه السلام؛ کلینی، ۵/ ۹۴-۹۵، ح ۱۰) و حدیثی از امام حسن عسکری (علیه السلام) در باب ارث (همان، ۷/ ۸۵، ح ۲؛ نیز نگ: طوسی، تهذیب، ۹/ ۲۷۴، ح ۹۹۲) است.

در مجموع نام اسحاق احمر در سند ۲۵ حدیث از روایات الكافی آمده است که بیشترین آن مربوط به نصوصی دال بر امامت امام حسن عسکری (علیه السلام؛ همان، ۱/ ۳۲۷-۳۲۸، ح ۹-۱۲) و ولادت آن حضرت (همان، ۱/ ۵۰۸-۵۱۲، ح ۹-۲۲) - به ترتیب ۴ و ۱۴ حدیث است. چنانچه ۳ حدیث دیگر از امام حسن عسکری (علیه السلام) درباره شناخت مدعی راستین امامت از مدعی دروغین، فلسفه وجوب روزه و مسأله‌ای در باب ارث را نیز به این تعداد بیافزاییم شمار روایات کلینی از اسحاق از آن امام بالغ بر ۲۱ حدیث خواهد شد که حجم آن بالغ بر ۸۴٪ از کل روایات اسحاق احمر در الكافی است. درباره محتوای

این روایات گفتنی است که همه آن‌ها با اعتقادات اصیل اسلامی - شیعی سازگار است که به‌نوبه خود از پالایش روایات وی از آرای باطل یا احادیث برساخته‌اش حکایت دارد. محمدتقی شوشتری نیز بر همین امر تأکید کرده و نقل روایات او در الکافی را پس از نقادی و پالایش آن‌ها دانسته است (تستری، ۱/ ۷۸۰).

طرق کلینی در نقل این روایات، به‌ویژه تعلیق اسانید و آغاز آنها با نام اسحاق احمر، حاکی از آن است که وی از اثری مکتوب از اسحاق احمر در نقل این روایات بهره برده است. کلینی چهار روایت دال بر امامت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) را به واسطه علی بن محمد علان رازی کلینی و ۱۴ روایت مجموعه اخیر را به واسطه همو و محمد بن جعفر اسدی روایت کرده است. این دو راوی واسطه کلینی در نقل سه روایت دیگر اسحاق احمر از امام حسن عسکری (علیه‌السلام) هستند.

این احتمال که آثار علی بن محمد علان یا محمد بن جعفر اسدی منبع کلینی بوده باشد چندان قابل اعتنا نیست؛ چه آنکه در منابع فهرستی امامیه برای هر دوی ایشان آثاری معرفی شده است که با موضوع روایات منقول از اسحاق نامرتبط است. نجاشی در شرح حال ابوالحسن علی بن محمد بن ابراهیم بن اَبان رازی کلینی معروف به علان تنها کتاب اخبار القائم را برای وی نام برده است (نجاشی، ۲۶۰-۲۶۱، ش ۶۸۲).^۹ او همچنین برای ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی کوفی کتاب الجبر و الإستطاعة را ذکر کرده است (نجاشی، ۳۷۳، ش ۱۰۲۰) که ظاهر همانی است که شیخ طوسی از آن با عنوان کتاب الرد علی أهل الإستطاعة یاد کرده است (طوسی، الفهرست، ۴۲۵، ش ۶۶۱). بر این اساس می‌توان گفت که اثری مکتوب از اسحاق احمر منبع کلینی در نقل این روایات بوده است و این دو، راوی این اثر بوده‌اند.

چنانکه روشن است بیشترین حجم روایات وی - ۲۱ حدیث از ۲۵ روایت - مشتمل بر سخنان امام حسن عسکری (علیه‌السلام) است. هرچند - چنانکه گذشت - اسحاق در شمار شاگردان و راویان آن حضرت معرفی شده است، اما آن‌ها را با واسطه روایت کرده است. او چهار روایت نخست را که مشتمل بر نصوصی دال بر امامت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) است از محمد بن یحیی بن دویاب، ابوهاشم داود بن قاسم جعفری و شاهویه بن عبدالله جلاب روایت کرده است، چنانکه یک روایت نیز به نقل از محمد بن یحیی بن درباب از ابوبکر فهفکی است. اسناد این روایات به ترتیب زیر است:

۱. علی بن محمد عن إسحاق بن محمد عن محمد بن یحیی بن دویاب قال: ...

۲. علی بن محمد عن إسحاق بن محمد عن اَبی هاشم الجعفری قال: ...

^۹. شیخ طوسی در فهرست خود هیچ اشاره‌ای به وی نکرده است.

۳. علی بن محمد عن إسحاق بن محمد عن محمد بن يحيى بن دوياب عن أبي بكر الفهفكي قال:

....

۴. علی بن محمد عن إسحاق بن محمد عن شاهويه بن عبد الله الجلاب قال:

نقل با واسطه اسحاق احمر از امام حسن عسکری (علیه السلام) در مورد ۱۴ روایت دیگر که به موضوع ولادت آن حضرت مرتبط اند نیز صادق است. اسحاق احمر این روایات را به واسطه سفیان بن محمد ضبعی، ابوهاشم جعفری، احمد بن محمد بن اقرع، حسن بن ظریف، اسماعیل بن محمد بن علی بن اسماعیل بن علی بن عبد الله ابن عباس بن عبدالمطلب، علی بن زید بن علی بن حسین بن علی، محمد بن حسن بن شمون، عمر بن ابي مسلم، یحیی بن قشیری، محمد بن ربیع شانی و ابوالعیناء محمد بن قاسم هاشمی مولی عبد الصمد ابن علی عتاقه روایت کرده است. دو روایت نیز به واسطه اقرع از ابوحمره نصیر خادم و محمد بن حسن شمون از احمد بن محمد بن عبد الله نقل کرده است. اسناد این روایات چنین است:

۵. علی بن محمد و محمد بن ابي عبد الله عن إسحاق بن محمد الضععی قال حدثني سفیان بن

محمد الضبعی قال:

۶. إسحاق قال حدثني أبوهاشم الجعفری قال:

۷. إسحاق عن أحمد بن محمد بن الأقرع قال حدثني أبوحمره نصير الخادم قال:

۸. إسحاق عن الأقرع قال:

۹. إسحاق قال حدثني الحسن بن ظريف قال:

۱۰. إسحاق قال حدثني إسماعيل بن محمد بن علي بن إسماعيل بن علي بن عبد الله بن عباس بن

عبد المطلب قال:

۱۱. إسحاق قال حدثني علي بن زید بن علي بن الحسين بن علي قال:

۱۲. إسحاق قال حدثني محمد بن الحسن بن شمون قال حدثني أحمد بن محمد قال:

۱۳. إسحاق قال حدثني محمد بن الحسن بن شمون قال:

۱۴. إسحاق قال حدثني عمرو بن ابي مسلم قال:

۱۵. إسحاق قال حدثني يحيى بن القشيري من قوية تسمى قير قال:

۱۶. إسحاق قال أخبرني محمد بن الربيع الشائي قال:

۱۷. إسحاق عن أبي هاشم الجعفری قال:

۱۸. إسحاق قال حدثني محمد بن القاسم أبو العیناء الهاشمی مولی عبد الصمد بن علی عتاقة قال: بنا برسند روایت نخست از این مجموعه ۱۴ روایتی، کلینی این روایات را با واسطه استادان خود علی بن محمد علان کلینی و محمد بن جعفر ابی عبدالله اسدی کوفی نقل کرده است. چنانکه مشهود است کلینی سند روایات بعدی را به سند روایت نخست تعلیق زده است. این تعلیق‌ها حاکی از آن است که منبع کلینی در نقل این روایات، متنی مکتوب از اسحاق احمر بوده است که کلینی این متن را به واسطه همان دواستاد خود یعنی علی بن محمد و محمد بن ابی عبدالله در اختیار داشته است.

۳ روایت دیگری که کلینی از اسحاق احمر روایت کرده به ترتیب حدیثی از امام حسن عسکری (علیه السلام) درباره شناخت مدعی راستین امامت از مدعی دروغین، پرسشی از آن حضرت درباره فلسفه وجوب روزه و حدیثی از ایشان درباره ارث است. این روایات را اسحاق به ترتیب از ابوهاشم داود بن قاسم جعفری، حمزة بن محمد و ابوبکر فهفکی نقل کرده است. ابتدای اسناد روایات نیز مشابه اسناد بالاست، یعنی کلینی این روایت را به واسطه دو استادش محمد بن جعفر اسدی کوفی و علی بن محمد علان کلینی نقل کرده است که این مشابهت نیز به نوبه خود بر این امر دلالت دارد که منبع کلینی در نقل این روایت نیز منبعی مکتوب از اسحاق احمر بوده است.

۱۹. محمد بن ابی عبد الله و علی بن محمد عن إسحاق بن محمد الفخعی عن ابی هاشم داود بن القاسم الجعفری قال:

۲۰. علی بن محمد و محمد بن ابی عبد الله عن إسحاق بن محمد عن حمزة بن محمد قال:

۲۱. علی بن محمد عن^{۱۰} محمد بن ابی عبد الله عن إسحاق بن محمد الفخعی قال سألت الفهفکی ابی محمد (علیه السلام):

تصویر زیر، نمودار کامل روایاتی را نشان می‌دهد که کلینی به واسطه استادان خود از اسحاق احمر با واسطه‌هایی از امام حسن عسکری (علیه السلام) نقل کرده است.

۱۰. بنا بر اسناد پیشین، باید گفت که واژه «عن» تصحیفی از «او» است.

در پایان این بخش اشاره به این نکته نیز ضروری است که علاوه بر روایاتی که در الکافی روایت شده و نام اسحاق احمر در اسناد آن‌ها مشاهده می‌شود، نام وی در سند حدیثی که شیخ طوسی به نقل از کلینی در تهذیب الأحکام آورده نیز دیده می‌شود (طوسی، تهذیب، ۱۸۷/۶، ح ۳۸۹).^{۱۱} درباره این روایت باید گفت که کلینی آن را با همان سند از «ابراهیم بن اسحاق الأحمر» روایت کرده است (کلینی، الکافی، ۹۶/۵، ح ۵).^{۱۲} بنا براین، بی‌شک در این مورد، شیخ طوسی یا ناسخان کتاب التهذیب وی در نقل سند حدیث دچار اشتباه شده‌اند (ر.ک: خونی، ۱۹۱/۳، ش ۱۱۰۵). نام وی همچنین در سلسله سند این سخن امام علی (علیه‌السلام) به کمیل بن زیاد که «یا کمیل إلی هذه القلوب أوعیة...» در منابع متعدد شیعی و سنی واقع شده است (صدوق، کمال‌الدین، ۲۹۳؛ خطیب بغدادی، ۳۷۶/۶؛ ابن عساکر، ۲۵۱-۲۵۲/۵۰؛ مجلسی، ۴۸/۲۳؛ امین، ۲۷۸/۳؛ محمودی، ۲۰-۲۱/۸).^{۱۳}

افزون بر این‌ها، ابن شهر آشوب روایتی مرسل را نقل کرده که در آن اسحاق احمر از امام عصر (علیه‌السلام) درباره معنای آیه «کهیعص» پرسش نموده است. امام در پاسخ، با ذکر این مطلب که این حروف شامل اخبار غیبی خداوند بر زکریای نبی بوده معنایی تأویلی از آیه در تطبیق با رخدادهای کربلا بیان کرده است بدین گونه که «کاف» نام کربلا، «هاء» هلاکت عترت پیامبر، «یاء» یزید، «عین» عطش و «صاد» صبر امام حسین (علیه‌السلام) است (ابن شهر آشوب، مناقب، ۲۳۷/۳). چنانچه ظاهر عبارت ابن شهر آشوب که بر پرسش مستقیم اسحاق از امام دلالت دارد («سأل إسحاق الأحمر الحجة (علیه‌السلام) ...») درست باشد، حاکی از ارتباط وی با آن حضرت است، ارتباطی که خود نیز با عنوان «باب» امام ادعای آن را داشت؛ چه آنکه بنا بر گزارش‌های موجود، او در عصر غیبت صغری و در زمان نیابت ابوجعفر محمد بن عثمان عمری (م ۳۰۴ یا ۳۰۵ ق) ادعای نیابت امام زمان (عج) را داشت. ابوالعباس احمد بن دینوری سراج گزارشی از ملاقات خود با وی و با فطانی - شخص دیگری که مدعی باییت بود - در بغداد ارائه کرده است.^{۱۴}

منبع کلینی در نقل روایات اسحاق احمر

بنا بر آنچه گذشت دانستیم که اثری مکتوب از اسحاق احمر مشتمل بر سخنانی از امام حسن عسکری

^{۱۱} «محمد بن یعقوب عن علی عن أبيه عن إسحاق الأحمر عن عبد الرحمن بن حماد عن عمر بن يزيد قال: أتى رجل أبا عبد الله...».

^{۱۲} «علی بن محمد عن إبراهيم بن إسحاق الأحمر عن عبد الله بن حماد عن عمر بن يزيد قال أتى رجل أبا عبد الله ع...».

^{۱۳} برای این حدیث با اسناد دیگر نگ: صدوق، کمال‌الدین، ۲۹۰-۲۹۱؛ مفید، ۲۴۷-۲۵۰، ح ۳؛ شریف رضی، ۱۰۵-۱۰۶؛ طوسی، الأمالی، ۲۰-۲۱، ح ۲۳.

^{۱۴} برای تفصیل این ماجرا نگ: طبری، ۵۱۹-۵۲۴، ش ۴۹۳؛ ابن طاووس، ۲۴۰.

اسحاق (عليه السلام) منبع کلینی در الکافی بوده است. مسأله حائز اهمیت در اینجا، شناسایی این اثر مکتوب اسحاق است. به عبارت دیگر، کلینی دقیقاً از کدام کتاب اسحاق بهره جسته است. از میان آثار فهرستی متقدم امامی تنها نجاشی به تألیفات اسحاق احمر اشاره کرده است. به گفته وی، آثار اسحاق بازگوکننده اندیشه «تخلیط» بوده («له كتب في التخلیط») و از میان آثار او تنها به دو اثر اشاره کرده است: کتاب أخبار السید و کتاب مجالس هشام (نجاشی، ۷۳، ش ۱۷۷). این دو کتاب را محمد بن سالم جعابی از علی بن حسن جرمی مشهور به طاطری از مؤلف روایت کرده است (همانجا؛ نیز نگ: بروجردی، ۱/ ۴۰۴، ش ۳۲۲۸ که صراحتاً «الجرمی» را علی بن حسن طاطری دانسته است). به گفته خطیب بغدادی، اسحاق احمر صاحب مصنفاتی در دیدگاه‌هایی بوده است که اسحاقیه بدان‌ها باور داشتند (خطیب بغدادی، ۶/ ۳۷۷). چنین به نظر می‌رسد که آنچه نجاشی با تعبیر «فی التخلیط» از آنها یاد کرده همین آثاری است که خطیب بغدادی بدان‌ها اشاره دارد و ظاهراً با دو اثری که نجاشی خود نام برده متفاوت است.

نقل قول‌هایی از پنج اثر منسوب به اسحاق احمر با عناوین کتاب الصراط، کتاب باطن التکلیف، کتاب الصلاة، کتاب الشواهد و کتاب التنبیه در آثار مؤلفان متقدم نصیری محمد بن نصیر نمیری (م بعد از ۲۵۴ ق)، محمد بن علی جلی (زنده در ۳۹۹ ق)، حسن بن شعبة حرانی - معاصر شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) - و علی بن حمزة حرانی (زنده در ۴۰۸ ق) باقی مانده است. آثاری که محتوای قطعات باقیمانده آن‌ها کاملاً با وصف‌های نجاشی و خطیب بغدادی از آثار اسحاق احمر سازگار است.^{۱۰} در میان منابع نصیری، کتاب حقائق أَسْرار الدین ابن شعبة حرانی بیشترین سهم را در حفظ و نقل قطعات آثار اسحاق احمر دارد. مضمون روایات نقل شده از اسحاق در الکافی با محتوای هیچ یک از آثار پنجگانه اخیر وی همخوانی ندارد. محتوای این پنج اثر را می‌توان به‌طور کلی در سه شکل کلی در ارتباط با تعالیم غالبانه دسته‌بندی کرد. برخی مطالب برجای مانده از آثار اسحاق احمر بیان می‌دارند که محمد عبد خداوند بود که عالم را به نیابت از او (خداوند) آفرید. این سخن، اندیشه غلات مفوضه را به ذهن متبادر می‌نماید. در برخی از این نقل قول‌ها نیز چنین شرح داده شده که وظایف دینی در واقع اسامی اشخاص اند و عبادت حقیقی معرفت و شناخت این افراد است، اندیشه‌ای که در آثار غلات به روشنی بیان شده و از سوی مخالفانشان بدان‌ها

^{۱۰} در منابع موجود هیچ نقل قول صریحی از دو کتابی که نجاشی به عناوین آن‌ها اشاره کرده - کتاب أخبار السید و کتاب مجالس هشام - در دست نیست، هرچند این احتمال می‌رود که برخی نقل قول‌ها از اسحاق احمر در الکافی و إختیار معرفة الرجال از کتاب أخبار السید باشد. درستی یا نادرستی این احتمال نیازمند پژوهشی مستقل است. البته علامه امینی (۲/ ۲۳۷، ش ۸) از اسحاق احمر در زمره مؤلفانی یاد کرده است که درباره سید حمیری کتاب نوشته‌اند، مقصود وی همین کتاب أخبار السید است. وجود آثاری با عنوان مشابه أخبار السید درباره سید حمیری مؤید این نظر علامه امینی است. برای این آثار نگ: نجاشی، ۸۵، ۸۷، ۹۶، ۹۹، ۱۹۹، ۲۴۴؛ طوسی، الفهرست، ۷۲، ۷۸؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ۱۸، ۲۰؛ افندی، ۹۲؛ خونی، ۱۹/۲؛ امینی، ۲۳۷/۲.

نسبت داده شده است. در نهایت، برخی مطالب آثار وی از جنبه‌های مثبت و منفی غنا و لواط سخن گفته‌اند.^{۱۶}

بی‌ارتباطی مضامین روایات مورد بحث اسحاق در الکافی با عنوان کتاب مجالس هشام روشن و بی‌نیاز از بحث است. آنچه باقی می‌ماند کتاب أخبار السید است. در این باره دو احتمال وجود دارد؛ نخست آنکه همین کتاب منبع کلینی بوده است و دیگری آنکه کلینی از کتابی دیگر از اسحاق احمر که هیچ‌گونه نام و نشانی از آن امروزه در دست نیست استفاده کرده است. به دلیل فقدان شواهد و دلایل لازم نمی‌توان این احتمال را به بحث گذارد، از این رو ناگزیر باید به بررسی احتمال نخست پرداخت و آن اینکه کتاب أخبار السید اسحاق منبع کلینی بوده است.

تدوین اثری با عنوان مشابه کتاب أخبار السید علاوه بر اسحاق احمر بر کسانی چون ابوعبدالله احمد بن محمد بن عبیدالله جوهری (نجاشی، ۸۵-۸۶، ش ۲۰۷؛ طوسی، الفهرست، ۷۸، ش ۹۹) و احمد بن ابراهیم بن معلی عمی (نجاشی، ۹۶، ش ۲۳۹؛ طوسی، الفهرست، ۷۱-۷۲، ش ۹۰) نیز یاد شده است. مفهوم «السید» در عنوان کتاب نقش کلیدی در نتیجه بحث حاضر دارد.

در یکی از چاپ‌های الفهرست شیخ طوسی، عنوان اثر احمد بن ابراهیم عمی کتاب أخبار السید الحمیری و شعره آمده است (طوسی، الفهرست، ۷۶، ش ۹۰؛ نیز نگ: خونی، ۱۹/۲، ذیلش ۳۸۶). ابن ندیم نیز در شرح حال ابوبکر محمد بن یحیی صولی از کتاب وی تحت عنوان کتاب أخبار السید الحمیری و مختار شعره نام برده است (ابن ندیم، ۱۳۶۶، ش، ص ۲۴۸).^{۱۷} ابوعبیدالله محمد بن عمران مرزبانی خراسانی (م ۳۸۵ ق) نیز اثری با عنوان أخبار السید الحمیری تألیف کرده که متن آن امروزه به‌کوشش محمد هادی امینی (نجف: مطبعة النعمان، ۱۳۸۵ ق/۱۹۶۵ م) منتشر شده است. گفتنی است که ابوهاشم یا ابوعامر سید اسماعیل بن محمد یزید بن ربیع حمیری معروف به «سید» (۱۰۵-۱۷۹ ق) از مشهورترین شاعران شیعه و مدافع مذهب و زبان‌گویای آن بود.^{۱۸}

شواهدی دیگر در تأیید این نظر وجود دارد. نجاشی در شرح حال ابوعبدالله احمد بن عبدالواحد بن احمد بنوازم معروف به ابن عبدون (نجاشی، ۸۷، ش ۲۱۱) و صالح بن محمد صرامی (همان، ۱۹۹، ش ۵۲۸) و ابو احمد عبدالعزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی جلودی لودی (همان، ۲۴۴، ذیلش ۶۴۰) از

^{۱۶} برای این موارد نگ: نمیری، ۲۱۱؛ جلی، ۱۶۴؛ حرانی، حقائق، ۲۳، ۴۰، ۴۲ (همگی نقل از کتاب الصراط)، ۳۴، ۳۵ (نقل از کتاب الشواهد)، ۳۶-۳۷، ۴۹ (نقل از کتاب باطن التکلیف)، ۴۵-۴۶ (نقل از کتاب التنبیه) و ۱۱۳-۱۱۴ (نقل از کتاب الصلاة)؛ حرانی، حجة العارف، ۲۵۸.

^{۱۷} قس ابن ندیم، ۱۴۳۰ ق، ۱/ ۴۶۵ که «الحمیری» در گیومه آمده است: «أخبار السید [الحمیری] و مختار شعره».

^{۱۸} نقل شده که وی در ابتدا بر مذهب خوارج بود، سپس مذهب کیسانیه اختیار کرد و بعدها با عنایت امام صادق (علیه‌السلام) مستبصر شد و به مذهب امامیه گرائید و تا پایان عمر شیعه باقی ماند. درباره وی نک: دیوان السید الحمیری، مقدمه مصحح، ص ۵-۱۷.

کتاب أخبار السید بن محمد در زمره تألیفات وی نام برده است. بی‌شک مقصود از سید بن محمد همان حمیری است. شاهد دیگر در این باره آنکه نجاشی و طوسی بلافاصله پس از یادکرد کتاب أخبار السید احمد بن ابراهیم بن معلی عمی از اثر دیگر وی شعر السید نیز نام برده‌اند (همان، ۹۶، ش ۲۳۹؛ طوسی، الفهرست، ۷۲، ش ۹۰). این دو عنوان کتاب و همنشینی آن‌ها کنار یکدیگر حاکی از آن است که سید مورد بحث شاعر بوده است و این خود شاهدی است بر اینکه منظور از «سید» در اینجا سید حمیری باشد. بر همین اساس است که آقابزرگ طهرانی تمامی این آثار و مؤلفان آن‌ها را زیر عنوان کتاب أخبار السید الحمیری معرفی کرده است (آقابزرگ طهرانی، ۱/ ۳۳۴-۳۳۵، ش ۱۷۴۴-۱۷۴۸). محمدعلی ابطحی (۳/ ۱۱۷) نیز صراحتاً مقصود از «السید» در عنوان کتاب أخبار السید اسحاق احمر همان سید حمیری - شاعر مشهور اهل بیت - دانسته است.

چنانچه مقصود از «سید» در عنوان کتاب أخبار السید اسحاق احمر نیز همچون آثار موارد بالا همان سید اسماعیل بن محمد حمیری باشد، در این صورت این اثر به هیچ روی نمی‌تواند منبع کلینی بوده باشد؛ چه آنکه مضامین روایات منقول از اسحاق احمر در الکافی کاملاً با جهت‌گیری عنوان کتاب أخبار السید با مفهوم سید حمیری متفاوت است. افزون بر این، عدم جایگاه خاص و قدسی سید حمیری نزد نصیری و اسحاقیه قرینه‌ای دیگری است که احتمال بالا را تضعیف می‌نماید. بنا براین می‌توان نتیجه گرفت که به احتمال فراوان مقصود از عبارت «السید» در عنوان کتاب أخبار السید اسحاق احمر سید حمیری نیست. اما همچنان این سؤال پابرجاست که این عبارت اشاره به چه شخصی دارد؟

احتمال دیگری که در تفسیر عنوان «سید» وجود دارد اینکه منظور امام حسن عسکری (علیه‌السلام) است.^{۱۹} شواهدی برای تقویت این احتمال وجود دارد. شاهد نخست آنکه، کتاب أخبار السید - در کنار کتاب مجالس هشام - یکی از دو کتاب شناخته شده و در عین حال خالی از ضعف عمده آثار اسحاق احمر در میان شیعه امامیه بوده است. پیش‌تر گفتیم که نجاشی برخی تألیفات وی را متأثر از اندیشه تخلیط معرفی کرده است («له کتب فی التخلیط»). کیفیت عبارت‌پردازی نجاشی حکایت از آن دارد که ضعف مذکور در سایر آثار اسحاق در این دو کتاب وی وجود نداشته است. این نکته به نوبه خود شاهدی است بر اینکه کلینی نیز با این کتاب آشنا بوده است.

نگرش خاص نصیری و اسحاقیه به امام حسن عسکری (علیه‌السلام) شاهد دیگری است که احتمال بالا را تأیید و تقویت می‌نماید، چنانکه در روایتی که کشی به واسطه احمد بن علی بن کلثوم از اسحاق

^{۱۹}. برخی محققان معاصر نیز این احتمال را مطرح کرده‌اند. نگ: شبیری، منابع کافی، ۳۳؛ اثباتی و طباطبائی، جستاری در باب منابع داده‌های تاریخی کافی، ۴۱.

احمر روایت کرده از آن حضرت با تعبیر «سیدی» یاد شده است: «أحمد بن علی بن کلثوم، قال: حدثني إسحاق بن محمد البصري قال: حدثني الفضل بن الحارث، قال: كنت بسر من رأى وقت خروج سیدی أبي الحسن عليها لسلام، فرأينا أبا محمد ماشية قد شق ثيابه، فجعلت أتعجب من جلالته و ما هو له أهل و من شدة اللون و الأدمة، وأشفق عليه من التعب...» (طوسی، اختیار، ش ۱۰۸۷).

شاید این اشکال بر این روایت وارد شود که کاربرد لفظ «سیدی» برای امام حسن عسکری (علیه السلام) ممکن است از سوی کسانی جز اسحاق احمر بوده باشد. اما این کاربرد در یکی از آثار منسوب به اسحاق صراحتاً از سوی خود او در اشاره به امام حسن عسکری (علیه السلام) به کار رفته است: «قال إسحاق فی کتاب باطن التکلیف: و قال مؤلف کتاب الأشخاص أركان أهل البيت محمد و فاطمة^{۲۰} و الحسن و الحسين و الغامضة محسن... و ما ذبح بمنى من الإبل و البقر و الغنم فهم الذين حضروا محاربة السيد» (حرانی، حقائق، ۱۷۴-۱۷۵). نکته جالب توجه درباره نقل قول بالا از کتاب باطن التکلیف^{۲۱} منسوب به اسحاق احمر اینکه آشکارا هیچ اشاره‌ای به نام امیرالمؤمنین در زمره اهل بیت نشده است. سبب این امر آن است که امام علی (علیه السلام) نزد غلات به ویژه نصیری به اسحاقیه در جایگاهی بالاتر از معصومان (عل) قرار دارد؛ در مقام «معنی» و مرتبه الوهیت.

سرانجام آنکه شاهد دیگر در این باره کلام وصفی خطیب بغدادی درباره منقولات و روایات اسحاق احمر است که بیشتر آن‌ها را مشتمل بر اخبار و حکایات معرفی کرده است. عنوان «أخبار» در عنوان کتاب نیز مؤید همین خصوصیت حکایت‌گری در روایات اسحاق است. بیشتر مضامین روایات منقول از اسحاق احمر از امام حسن عسکری (علیه السلام) در الکافی نیز با حکایت از دیگران رنگ و بوی اخبار درباره آن حضرت دارد.

نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه به تفصیل در متن این پژوهش گذشت، نتایج زیر قابل استفاده است:

- ۱- ابویعقوب اسحاق بن محمد بن لبان احمر نخعی از جمله شاگردان امام حسن عسکری (علیه السلام) است که روایاتی را از آن حضرت نقل کرده است. او در دوره غیبت صغری برخی ادعاهای انحرافی را مطرح کرد. بنا بر شواهد موجود، نخستین ادعای وی نیابت خاص امام عصر (عج) بود. هیچ گزارش تاریخی درباره درستی این ادعا در منابع نقل نشده است. او در کنار این ادعا، باورهای انحرافی

^{۲۰}. در آثار نصیری و اسحاقیه از حضرت فاطمه زهرا (س) با عنوان «فاطر» یاد می‌شود.

^{۲۱}. فریدمن از این اثر با عنوان کتاب التکلیف یاد کرده است. نک: Friedman, p. 249, note 37.

دیگری را نیز مطرح کرد که گزارش‌های موجود در این باره از جهت‌گیری غلوآمیز این ادعاها و باورها حکایت دارد. او توانست در زمان خود جریانی فرقه‌ای را رهبری نماید، جریانی که در منابع فرق‌شناسی به نام خود او یعنی اسحاقیه شناخته شده است.

۲- ادعاها و باورهای انحرافی (غالبنه) اسحاق سبب شد تا وی از سوی رجالیان شیعه تضعیف شود. با وجود طعن وی، روایاتی را که در دوره استقامت خود از امام حسن عسکری (علیه‌السلام) نقل کرده بود مورد توجه محدثان متقدم قرار گرفت. از جمله این محدثان که حجم بیشتری از روایات اسحاق را در مقایسه با سایرین نقل کرده شیخ کلینی در کتاب ارزشمند الکافی است. بنا براین می‌توان اسحاق احمر را از نمونه‌هایی به شمار آورد که متقدمان در نقل حدیث از راویان ضعیف و فاسد المذهب به قرائنی جز وضعیت رجالی آن‌ها توجه داشتند.

۳- عدم برخورداری سید حمیری از جایگاهی خاص و قدسی نزد نصیری و اسحاقیه و عدم حضور شخصیت وی در روایات منقول از اسحاق در الکافی مؤید آن‌اند که مقصود از «السید» در عنوان کتاب أخبار السید اسحاق نمی‌تواند سید حمیری باشد. بلکه بنا بر برخی شواهد می‌توان احتمال داد که مقصود از این واژه در عنوان کتاب، امام حسن عسکری بوده است. کیفیت عبارت‌پردازی نجاشی و جداسازی این کتاب اسحاق و اثر دیگر شیعه یعنی کتاب أخبار مجالس هشام از تألیفات دیگر وی که مملو از اندیشه تخلیط بودند از جمله این شواهد است. نگرش خاص نصیری و اسحاقیه به امام حسن عسکری (علیه‌السلام) و کاربرد لفظ «سیدی» در اشاره به آن حضرت و کلام خطیب بغدادی در وصف روایات وی که پیشینه آن‌ها مشتمل بر اخبار و حکایات است و این وصف با مضامین روایات مورد بحث اسحاق در الکافی نیز همخوانی دارد. بنا براین می‌توان گفت که شواهد موجود حاکی از آن است که کتاب أخبار السید اسحاق منبع کلینی در نقل روایات وی از امام حسن عسکری (علیه‌السلام) بوده است.

منابع

ابطحی، محمدعلی، تهذیب المقال فی تنقیح کتاب رجال النجاشی، قم: ابن المؤلف، چاپ دوم، ۱۴۱۷ ق.
ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، شرح نهج البلاغة، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دار إحياء الكتب العربية، ۱۳۷۸ ق.

ابن اثیر، علی بن محمد، اللباب فی تهذیب الأنساب، بیروت: دار صادر، بی‌تا.

ابن بابویه، محمد بن علی، الأموال، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ ق.

_____، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ ق.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *الموضوعات*، تحقیق: عبدالرحمن محمد عثمان، مدینه: المكتبة السلفية، ١٣٨٦ ق.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *لسان المیزان*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ١٣٩٠ ق.
ابن شعبه، حسن بن علی، *حقائق أسرار الدین*، چاپ شده در سلسله التراث العلوی: مجموعة الحرانین، ج ٤، تحقیق: ابو موسی و شیخ موسی، لبنان: دار لأجل المعرفة، ٢٠٠٦ م.
ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *معالم العلماء*، تحقیق: سید محمد صادق آل بحر العلوم، بیروت: دار الأضواء، بی تا.

_____، *مناقب آل أبی طالب*، نجف: المكتبة الحیدریة، ١٣٧٦ ق/ ١٩٥٦ م.

ابن طاووس، علی بن موسی، *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم*، قم: منشورات الرضی، ١٣٦٣.

ابن عساکر، علی بن حسن، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر، ١٤١٥ ق.

ابن غضائری، احمد بن حسین، *الرجال*، تحقیق: سید محمدرضا حسینی جلالی، قم: دار الحدیث، ١٤٢٢ ق.

ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر، *البدایة و النهایة*، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ١٤٠٨ ق/ ١٩٨٨ م.

ابن ندیم، محمد بن اسحق، *الفهرست*، تحقیق: ایمن فؤاد سید، لندن: مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامی، ١٤٣٠ ق/ ٢٠٠٩ م.

_____، *الفهرست*، تحقیق: رضا تجدد، تهران: امیرکبیر، ١٣٦٦.

اردبیلی، محمد علی، *جامع الرواة و إزاحة الإشتباهات عن الطرق و الأسناد*، مكتبة المحمدی، بی تا.

افندی، عبدالله بن عیسی بیگ، *تعلیقة أمل الآمل*، تحقیق: سید احمد حسینی، قم: مكتبة المرعشی، ١٤١٠ ق.

آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، بیروت: دار الأضواء، چاپ دوم، ١٤٠٣ ق.

امین، محسن، *أعیان الشیعة*، تحقیق: حسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، بی تا.

امینی، عبدالحسین، *الغدیر*، بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ چهارم، ١٣٩٧ ق/ ١٩٧٧ م.

بروجردی، علی، *طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال*، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم: مكتبة المرعشی، ١٤١٠ ق.

بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل، *تعلیقة بر منهج المقال*، چاپ شده در منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال، محمد بن علی استرآبادی، قم: مؤسسة آل البيت، ١٤٢٢ ق.

تفرشی، مصطفی بن حسین، *نقد الرجال*، قم: مؤسسة آل البيت (علیه السلام)، ١٤١٨ ق.

تقی الدین حلی، حسن بن علی، *رجال*، تحقیق: سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: منشورات مطبعة الحیدریة، ١٣٩٢ ق/ ١٩٧٢ م.

ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، *الغارات*، تحقیق: سید جلال الدین ارموی، افسس: چاپخانه بهمن، بی تا.

- جديدي نژاد، محمد رضا، **معجم مصطلحات الرجال والدراية**، قم: دار الحديث، چاپ سوم، ۱۴۲۴ ق.
- جلی، محمد بن علی، **حاوی الأسرار**، چاپ شده در سلسله التراث العلوی، ج ۲، تحقیق: ابوموسی و شیخ موسی، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۶ م.
- حرانی، علی بن حمزة، **حجة العارف في إثبات الحق على المباین والمخالف**، چاپ شده در سلسله التراث العلوی: مجموعة الحرانيين، ج ۴، تحقیق: ابوموسی و شیخ موسی، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۶ م.
- حلی، حسن بن سلیمان، **مختصر بصائر الدرجات**، نجف: منشورات المطبعة الحیدرية، ۱۳۷۰ ق.
- خصیبي، حسین بن حمدان، **الهدایة الكبرى**، بیروت: مؤسسة البلاغ، ۱۴۱۱ ق.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، **تاریخ بغداد**، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق/۱۹۹۷ م.
- خوئی، ابوالقاسم، **معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة**، بی جا، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ ق.
- ذهبی، محمد بن احمد، **المغنی فی الضعفاء**، تحقیق: ابوالزهراء حازم القاضي، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ ق/۱۹۹۷ م.
- _____، **میزان الاعتدال فی نقد الرجال**، تحقیق: علی محمد بجاری، بیروت: دار المعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۸۲ ق/۱۹۶۳ م.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد، **الأنساب**، تحقیق: عبدالله عمر بارودی، بیروت: دار الجنان، ۱۴۰۸ ق/۱۹۸۸ م.
- سید حمیری، اسماعیل بن محمد، **دیوان السید الحمیری**، تصحیح: ضیاء حسین الأعلمی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بی تا.
- شبییری زنجانی، محمدجواد، «لزوم ارزیابی سندی احادیث کافی با استفاده از دروس حضرت آیت الله شبیری زنجانی»، **مجله سفینه**، ۱۳۸۳، شماره ۲.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، **خصائص الأئمة (عليهم السلام)**، تحقیق: محمد هادی امینی، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۰۶ ق.
- شوشتری، محمدتقی، **قاموس الرجال**، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۹ ق.
- صاحب المعالم، حسن بن زین الدین، **التحریر الطاووسی**، تحقیق: فاضل جواهری، قم: مكتبة المرعشی، ۱۴۱۱ ق.
- طبری، محمد بن جریر، **دلائل الإمامة**، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، **إختیار معرفة الرجال**، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
- _____، **الأمالی**، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
- _____، **الفهرست**، تحقیق: جواد فیومی، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ ق.

_____، **تہذیب الأحکام**، تحقیق: سید حسن موسوی خراسان، طهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ سوم، ۱۳۶۴.

_____، **رجال الطوسی**، تحقیق: جواد قیومی اصفہانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ ق.

_____، **فہرست کتب الشیعة و أصولہم**، تحقیق: سید عبدالعزیز طباطبائی، قم: مکتبۃ العلامۃ الطباطبائی، ۱۴۲۰ ق.

_____، **علی بن یونس، الصراط المستقیم إلى مستحقى التقديم**، تحقیق: محمدباقر بہبودی، المکتبۃ المرتضویۃ، ۱۳۸۴ ق.

_____، **علامہ حلّی، حسن بن یوسف، ایضاح الإشتیاء**، تحقیق: محمد حسن، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۱ ق.

_____، **خلاصۃ الأقوال فی معرفۃ الرجال**، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ ق.

_____، **کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی**، تحقیق: علی اکبر غفاری، طهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ پنجم، ۱۳۶۳.

_____، **مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار**، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

_____، **محمودی، محمدباقر، نہج السعاده فی مستدرک نہج البلاغۃ**، بیروت: مؤسسه الأعلمی، بی تا.

_____، **مفید، محمد بن محمد، الأملی**، تحقیق: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، بیروت: دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

_____، **نجاشی، احمد بن علی، فہرست أسماء مصنفی الشیعة المشہر برجال النجاشی**، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ ق.

_____، **نمیری، محمد بن نصیر (منسوب)، کتاب المثل والصورة**، چاپ شدہ در سلسلۃ التراث العلوی، ج ۱، تحقیق: ابو موسی و شیخ موسی، لبنان: دار لأجل المعرفة، ۲۰۰۶ م.

Anthony, Sean W., "The Mahdī and the Treasures of al-Tālaqān", *Arabica*, Brill NV, Leiden, 2012.

Friedman, Yaron, *The Nusayrī-ʿAlawīs: An Introduction to the Religion, History and Identity of the Leading Minority in Syria*, Brill (Leiden (Boston), 2010.